

فایده فولکلور

فولکلور از دواژه Folk به معنای مردم و قوم و واژه Lore به معنای دانش تشکیل شده است. در هر دو زبان انگلیسی و فارسی دارای دو معنای کاملاً متفاوت اما مرتبط بهم است. نخست به معنای «دانش مردم» که از طریق تجربه و زندگی بدست آمده است و بصورت شفاهی و نسل به نسل سینه به سینه منتقل و انباشته شده است. دوم به معنای رشته علمی فولکلور است؛ یعنی دانشی که به گردآوری، مطالعه و تحقیق درباره فولکلور می پردازد. سابقه فولکلور در معنای اول آن به آغاز حیات بشر باز می گردد. بشر از لحظه تولد آموختن را آموخت و به فرزندان خود نیز آموخته هایش را آموخت. و بدین ترتیب دانش متولد شد. با توجه به تنوع نیازها و فعالیت های آدمی، تجربه ها و دانش او نیز متنوع و گسترده است. از یک سو دانش مربوط به کشت و زراعت، صنعت و هزاران حرفه و پیشه دیگر قرار دارد، و از سوی دیگر دانش مربوط به هنرهای مختلف از موسیقی و غارنگاری و نقاشی گرفته تا تئاترها و نمایش ها و انواع شعر و سخن سرایی ها. اما گردآوری فولکلور یا دانش های مردم امر نسبتاً جدید و متاخری است. وقتی که عصر مدرن آغاز شد بتدریج دانش های قومی و مردمی جایشان را به دانش ها و صنایع مدرن دادند، در نتیجه از یک سو این احساس بوجود آمد که دانش های قومی دیگری فایده ای ندارند و نمی توانند بکار و بار زندگی و نیارهای انسان مدرن پاسخ دهند؛ و از سوی دیگر دور انداختن آنهمه دانش و سرمایه کار معقولی نبود. بشر نمی توانست یکبار تمام تاریخ و گذشته اش را دور بریزد. از اینرو ابتدا «عتیقه شناسان» و بعد «باستان شناسان» و بعد مردم شناسان به گردآوری و مطالعه فولکلور روی آوردند. در ایران اگرچه در قرن یازدهم کتاب «کلثوم ننه» توسط یکی از فقه‌های بزرگ شیعه نوشته شد و برخی باورهای عامیانه زنانه در آن گردآوری شد اما تا قبل از صادق هدایت کسی به نحو «روش مند» و «نظام مند» دانش فولکلور را به جامعه ایران معرفی نکرده بود. بعد از هدایت مرحوم انجوی شیرازی در مرکز فرهنگ مردم تلویزیون اقدامات بزرگی ذدر اباره گردآوری فولکلور ایران انجام داد. مرحوم انجوی شیرازی در مقدمه کتاب های مرکز فرهنگ مردم و نوشته های خودش بحث مفصلی درباره فایده فولکلور بخصوص فواید و نقش های تربیتی آن ارائه کرده است. علی رغم تلاش های ارزنده جمع کثیر فولکلورشناسان ایرانی، هنوز کار تحلیل و بررسی فولکلور ایران بصورت علمی و دقیق انجام نشده است. عمده کارهای موجود اولاً گردآوری است ثانیاً غالباً به گردآوری ادبیات شفاهی محدود و منحصر شده است. آنچه در حال حاضر در جهان درباره دانش مردم مطرح است بنام «دانش بومی» یا Indigenous knowledge شناخته می شود. دانش بومی امروزه به منزله نوعی

نظام معرفتی و مهارتی است که می تواند در کار تولید، صنعت، زندگی و توسعه و حل مشکلات عملی مردم موثر بیافتد. امروزه «طب بدیل» Alternative medicine یا همان «پزشکی سنتی» خودمان جایگاه مهمی در دانشگاه های جهان دارد. ۱۱۷ دانشگاه آمریکا امروز رشته های طب سنتی را تدریس و آموزش می دهند. دانش بومی در زمینه دامپروری و کشاورزی امروزه در بسیاری از زمینه ها گوی سبقت از دانش مدرن را ربوده است. هند و بسیاری از کشورهای آفریقایی با تکیه بر دانش بومی کشاورزی توانسته اند انقلابی در تولیدات خود ایجاد کنند. برتری های دانش بومی دامپروری و کشاورزی بر دانش مدرن فهرست بلند بالایی است که مجال بحث آن اینجا نیست. اما کمترین برتری آن بومی بودن آن است. برای همین امروزه در ایران نیز جنبش گردآوری دانش بومی شکل گرفته است و مرکز مطالعات آن در محلات موفقیت های بزرگی داشته است. در زمینه فولکلور شفاهی یا هنرهای قومی نیز موفقیت ها زیادی نصیب ملت ها شده است. سهم مهم و اصیل تمدن ایرانی امروز در جهان «صنعت فرش» است که پاره ای از همان دانش و هنر قومی ایرانی است. در زمینه موسیقی نیز آنچه در جهان به ما هویت می دهد می دهد نوای سنتور و نی و سازها ایرانی و موسیقی سنتی و محلی ماست نه موسیقی پاپ مدرن. بنابراین هنر و زبان قومی که عمدتاً در فولکلور تبلور می یابد مقوم هویت ملت و تثب کننده سهم و جایگاه آنها در میان تمدن هاست. هر جزء جزء دانش و هنر قومی «سرمایه فرهنگی» است که اگر بدرستی شناخته و بکار گرفته شود می تواند نقش مهمی در فرایند توسعه ملت ما داشته باشد. از آنجا که ایران دارای تاریخ بلند و غنی است، میراث فرهنگی آن می تواند چارچوب مناسبی برای توسعه آن باشد. خوشبختانه به نظر می رسد این موضوع برای برنامه ریزان ایران تا حدی شناخته و پذیرفته شده است و در سال های اخیر تلاش های تازه ای برای توسعه بر پایه هویت و میراث فرهنگ ایرانی انجام شده است. اما متأسفانه بسیاری از کسانی که در زمینه فولکلور ایران تلاش می کنند شناخت علمی از کارکردها و فواید آن ندارند و بیشتر بصورت سرگرمی یا امور ذوقی که بکار افتخار کردن به فرهنگ محلی می آید نظر می کنند. اگر جامعه به فواید عقلی و عملی میراث خود آگاه شود راه حفظ و نگهداری آن را هم خواهد آموخت.

فولکلور

دکتر سید حسن میرحسینی

فولکلور میراث فرهنگی و هویت ملی همه کشورها است و حفظ و حمایت از آن خصوصاً در کشورهای در حال توسعه از اهمیت بسزائی برخوردار است تا حدی که این قبیل کشورها فولکلور را به عنوان مبنائی برای هویت فرهنگی خود و ابزاری مهم برای

ابزار خود چه در قالب جوامع قومی و چه در روابط با دنیا می‌دانند. خلاصه اینکه فولکلور برای کشورهای در حال توسعه از نقطه نظر هویت اجتماعی دارای اهمیت است و چیزی نیست که فقط به گذشته‌ها تعلق داشته باشد. (۱)

حوزه این میراث بسیار گسترده بوده و شامل ادبیات بومی، موسیقی، هنرهای بصری، رسوم و عقاید محلی، معماری بومی، اشکال گوناگون دانش سنتی و مرتبط با داروهای محلی و طبابت بومی، کشاورزی سنتی و مسائل اکولوژیک سنتی و تنوع زیستی می‌شود. اگرچه بهره‌برداری نامناسب از فولکلور با توجه به حوزه آن، در گذشته رواج داشته است لکن توسعه فوق‌العاده تکنولوژی و توسعه ارتباطات خصوصاً در زمینه‌های ضبط سمعی و بصری، پخش تلویزیون و سینما و همچنین نگرش‌های صرفاً تجاری به آنها و از همه مهمتر فقدان یک ساز و کار حمایتی مؤثر در سطح ملی و بین‌المللی، امکان سوء استفاده از آن را چندین برابر کرده است لذا این میراث بدون توجه به اهمیت‌های فرهنگی و منافع اقتصادی آن برای جوامع محلی که از آنجا نشأت گرفته است به گونه‌ای فزاینده برای اهداف تجاری و سودگرانه مورد سوء استفاده و بهره‌کشی قرار می‌گیرد و هیچگونه سهمی از این درآمد نصیب جوامعی که این میراث واقعاً به آنها تعلق دارد و در انجام رشد و نمو یافته است نمی‌شود. (۲)

علاوه بر موارد فوق، فقدان شناخت و تجربه در میان جوامع محلی در مورد نظام‌های حقوق مالکیت معنوی موجود به منظور حمایت از چنین میراثی و وابستگی اقتصادی این جوامع و در بسیاری موارد نبود خط‌مشی روشن در خصوص استفاده از این میراث را نیز باید از جمله عللی دانست که مانع بهره‌برداری معقول و عادلانه جوامع محلی و قومی از منافع اقتصادی حوزه‌های مختلف فولکلور خصوصاً در کشورهای در حال توسعه می‌گردد زیرا در کشورهای صنعتی پیشرفته، نموده‌های فولکلور اکثراً به قلمرو عمومی تعلق داشته و به دلیل این رویکرد تا مدت‌ها حمایت حقوقی از منافع محلی یا قومی در ارتباط با استفاده از فولکلور در این قبیل کشورها به عمل نمی‌آمد. علیرغم مراتب فوق، از حدود دو دهه گذشته ضرورت تقویت فولکلور به عنوان منبع این نمودها و همچنین ایجاد سازوکارهای حقوقی در سطح ملی و بین‌المللی برای حمایت از آن بیش از پیش آشکار شد. البته بدیهی است با توجه به ماهیت این نمودها و نقش آنها در تعیین هویت فرهنگی کشورها حمایت از نموده‌های فولکلور باید به نحوی صورت گیرد که از یک طرف مانع استفاده نادرست و بهره‌برداری تجاری از آنها بدون پرداخت سهم به جوامعی که از آنجا نشأت گرفته‌اند شود و از سوی دیگر محدودیت زیادی برای دسترسی آحاد جامعه به این نمودها ایجاد ننماید. در این مقاله تلاش سازمان‌های بین‌المللی برای حمایت ملی و بین‌المللی از نموده‌های فولکلور در چهارچوب حقوق مالکیت فکری و نظام‌های خاص و چالش‌های مربوط و همچنین وضعیت حمایت ملی از نموده‌های فولکلور در ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

بخش اول: تلاش‌های بین‌المللی برای حمایت از فولکلور در چارچوب حقوق مالکیت معنوی

الف - تلاش بین‌المللی برای حمایت از فولکلور در سطح ملی کشورها

با توجه به اهمیت نموده‌های فولکلور خصوصاً برای کشورهای در حال توسعه و ارتباط تنگاتنگ این نموده‌ها با موضوعات مربوط به حقوق مالکیت معنوی، سازمان جهانی مالکیت معنوی که یکی از اهداف مهم آن ارتقاء حقوق مالکیت معنوی در جهان با همکاری کشورهای عضو و سازمان‌های بین‌المللی است، از حدود سال ۱۹۷۸ میلادی با همکاری تنگاتنگ سازمان‌های بین‌المللی ذیربط تلاش‌های گسترده‌ای را برای ایجاد نوعی حمایت از این نموده‌ها آغاز کرده است که از جمله ثمره مهم این تلاش‌ها را می‌توان تهیه مقررات مدل برای قوانین ملی در حمایت از نموده‌های فولکلور در مقابل بهره‌برداری غیرقانونی و سایر اعمال زیانبار توسط سازمانی جهانی مالکیت معنوی و یونسکو دانست که علیرغم قدمت هنوز می‌تواند نقطه شروع و الگوی مناسبی برای تعیین راهکار به منظور حمایت ملی و حتی بین‌المللی از نموده‌های فولکلور باشد. (۳)

بررسی مقررات مدل ۱۹۸۲ سازمان جهانی مالکیت معنوی و یونسکو

۱- اهداف مقررات مدل:

با توجه به مجموع مواد مربوط به مقررات مدل، اهداف این مقررات را می‌توان به شرح زیر احصاء کرد: (۴)

- تأمین حمایت حقوقی کافی از فولکلور.

- امکان حمایت حقوقی از فولکلور در قالب مقررات مدل در نظام حقوقی داخل کشورها.

- امکان استفاده از مقررات مدل در کشورهایی که فاقد مقررات در مورد حمایت از نموده‌های فولکلور هستند و نیز در کشورهایی که در این زمینه دارای قوانین و مقررات هستند.

- فراهم آوردن امکان حمایت از نموده‌های فولکلور از طریق کپی رایت و حقوق جانبی در مواردی که چنین حمایتی وجود داشته باشد.

- تعمیم حمایت ملی از نموده‌های فولکلور به سطح منطقه‌ای و بین‌المللی.

۲ - تعریف

در مقررات مدل از فولکلور تعریفی نشده است. البته از دیدگاه این مقررات نموده‌های فولکلور به مفهوم محصولاتی هستند که عناصر ویژگی بخش میراث فرهنگی را شامل می‌شوند و این میراث را به جامعه محلی یا یک کشور یا افرادی که انتظارات هنر سنتی چنین جامعه یا کشوری را منعکس می‌سازند، ایجاد و حفظ کرده‌اند. (۵)

در بخش (۲) این مقررات نموده‌های فولکلور به شرح زیر تقسیم شده است:

- نموده‌های شفاهی شامل افسانه‌ها، اشعار عامیانه چيستانهها
- نموده‌های در قالب موسیقی شامل آهنگها و موسیقی عامیانه
- نموده‌های توأم با حرکت شامل رقصها، نمایشها، اشکال هنری و آئین‌های مذهبی
- نموده‌های ملموس شامل ترسیمات، نقاشی، حجاری، مجسمه‌سازی، کوزه‌گری، سفالگری، موزائیک، کارهای چوبی، کارهای فلزی، جواهرسازی، سبدهافی، سوزن‌دوزی، بافتنی، فرش، لباس، معماری و آلات موسیقی
با توجه به مراتب فوق اگرچه مقررات مدل ۱۹۸۲ به منظور اجتناب از تعارضهای احتمالی از تعاریفی که در اسناد یا توافقات حقوقی در مورد حمایت از فولکلور وجود دارد از فولکلور تعریفی ارائه نداده است و به طور کلی نظر به ماهیت و ویژگیهای فولکلور ارائه تعریف جامع و مانع از آن امکان‌پذیر نمی‌باشد ولی با توجه به اسناد سازمان جهانی مالکیت معنوی می‌توان گفت که فولکلور به معنای همه آثار ادبی، هنری و علمی است که در یک قلمرو به وسیله پدیدآورندگان که اتباع کشور یا جوامع محلی هستند پدید آمده است و نسل‌اندرونسل از پدید آمدن آن گذشته و اینک یکی از عناصر اساسی میراث فرهنگی سنتی آن کشور را تشکیل می‌دهد.

۳ - دامنه حمایت از نموده‌های فولکلور:

با توجه به مقررات مدل، نموده‌های فولکلور باید در مقابل دو دسته از اعمال حمایت شوند. اول «بهره‌برداری غیرمجاز» و دوم «سایر اعمال زیانبار». بهره‌برداری غیرمجاز از نموده‌های فولکلور در مقررات مدل به معنای هرگونه استفاده چه با هدف سود و چه خارج از مقوله سنتی یا عرفی، بدون اجازه مقام یا مرجع ذیصلاح یا جامعه قومی مربوط می‌باشد. (۶)

در بخش (۳) مقررات مدل اعمالی را که نیاز به اجازه دارند به شرح زیر احصاء شده است:

- انتشار، تکثیر و توزیع.

- گزارش به عموم، اجرای عمومی، ارسال از طریق وسایل بی‌سیم یا با سیم و دیگر طرق ارتباطی.

با توجه به بخش (۶) مقررات مدل « سایر اعمال زیانبار » که ممکن است موجب آسیب به نموده‌های فولکلور شود می‌تواند به چهار صورت زیر ظاهر شود:

- در هر نشریه یا کتاب یا هر رسانه مرتبط با عامه که از طریق نمودی قابل تشخیص به عنوان فولکلور معرفی شود باید منبع آن به نحو مقتضی با تعیین جامعه قومی یا محل جغرافیائی که نمود منتسب به آنجاست مشخص گردد.

- هرگونه بهره‌برداری بدون اجازه از یک نمود فولکلور که اجازه آن لازم باشد.

- گمراه کردن عامه با ایجاد این تصور که نمود فولکلور از جامعه قومی معینی اخذ شده اما در واقع چنین نباشد.

- چنانچه در حالت استفاده عمومی، نموده‌های فولکلور به گونه مستقیم یا غیرمستقیم به نحوی تحریف شود که برای منافع فرهنگی جامعه مربوطه زیانبار باشد.

۴ - لزوم اجازه برای استفاده از نموده‌های فولکلور:

با توجه به بخش ده مقررات مدل دو جنبه از این اجازه به چشم می‌خورد. اول پیش‌بینی واحدی که حق اعطای چنین اجازه‌ای را دارد و دوم روند و مراحل اجازه است. مرجع و مقام اجازه با توجه به مقررات مدل « مقام ذیصلاح » و « جامعه قومی ذیربط » آمده است بنابراین روشن است که واضعین مقررات مدل تعمداً از لفظ صاحب حق یا مالک اجتناب کرده‌اند زیرا در کشورهای مختلف ممکن است این مرجع متفاوت باشد به عنوان مثال در بعضی از کشورها نموده‌های فولکلور ممکن است به عنوان مالی متعلق به دولت (کشور) تلقی شوند و در کشورهای دیگر مفهوم مالکیت میراث هنری سنتی از آن جوامع قومی و محلی باشد. به هر حال مقام ذیصلاح نهادی است که در قانون داخلی برای اعطای چنین اجازه‌ای تعیین می‌شود البته اگر مقام ذیصلاح برای اجازه، جامعه‌ای قومی باشد بدیهی است که این جامعه در این مقام به عنوان مالک نموده‌های مربوط است. (۷)

۵ - موارد معافیت‌ها:

اگرچه با توجه به بخش ده مقررات مدل، بهره‌برداری و استفاده از فولکلور منوط به کسب مجوز از مراجع ذیصلاح یا جوامع مرتبط شده است ولی با توجه به بخش (۴) مقررات مدل، موارد زیر نیاز به کسب مجوز ندارد:

- بهره‌برداری برای مقاصد آموزشی.

- بهره‌برداری تصویری از کارهای اصلی صاحب یا صاحبان نموده‌های فولکلور.

- استفاده از فولکلور برای خلق یک اثر جدید.

همچنین بهره‌برداری از فرهنگ عامیانه در صورتی که جزئی باشد مشمول بخش (۳) مقررات مدل نمی‌شود. با توجه به قسمت دوم بخش (۴) مقررات مدل بهره‌برداری جزئی شامل موارد زیر است:

- بهره‌برداری از فولکلور که در وقایع روزمره دیده یا شنیده می‌شود و برای گزارش از حوادث به طریق عکاسی، پخش اخبار، ضبط صدا و تصویر صورت می‌گیرد.

- بهره‌برداری از اشیائی که فولکلور در آنها مورد استفاده قرار گرفته و در یک مکان ثابتی قرار دارد و توسط مردم دیده می‌شوند و بهره‌برداری آنها به صورت عکس، فیلم و در برنامه‌های تلویزیونی باشد.

۶- حمایت از نمودهای فولکلور متعلق به کشورهای خارجی:

در بخش ۱۴ مقررات مدل ۱۹۸۲. نحوه حمایت از نمودهای فولکلوری که در کشور خارجی تولید و حفظ شده بیان گردیده است به موجب بندهای (۱) و (۲) بخش مذکور. حمایت از نمودهای فولکلور کشورهای خارجی به صورت ارتباط یا براساس مقررات بین‌المللی و دیگر توافقات امکان‌پذیر است. (۸)

۷- ضمانت اجراها:

مقررات مدل هیچ‌گونه مجازات خاص را برای ناقضین پیشنهاد نمی‌کند و این امر را به عهده کشورها گذاشته است تا میزان و شکل و نوع مجازات را براساس قوانین ملی خود تعیین نمایند. البته در صورت نقض قانون به شرحی که در مقررات مدل آمده است ضبط و سایر اقدامات مشابه در مورد شی و همچنین دریافتهای به عمل آمده وجود دارد. شی آن چیزی است که با نقض قانون مربوط به حمایت از فولکلور ساخته شده است مانند نسخ نمودهای کتبی فولکلور، دریافتهای به عمل آمده توسط شخص متخلف از این اعمال ناقض قانون نیز مشمول این ترتیبات است مانند دریافتهای فروشنده شی نقض‌کننده حقوق مندرج در حمایت از نمودهای فولکلور. (۹)

ب- تلاش بین‌المللی برای حمایت از فولکلور در سطح جهانی:

همانطور که قبلاً گفته شد در مقررات مدل، حمایت از نمودهای فولکلور دارای منشاء خارجی در قالب معامله به مثل (عمل متقابل) یا بر مبنای معاهدات بین‌المللی امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر مقررات مدل بیشتر درصدد حمایت از نمودهای فولکلور در سطح ملی است و تلاش واضعین آن این بوده است که کشورها در تهیه قوانین ملی یا اصلاح مقررات داخلی مربوطه آن را به عنوان الگو مورد استفاده قرار دهند. علیرغم مزیت‌هایی که مقررات مدل (با توجه به زمان وضع آن) دارا می‌باشد مقررات

مذکور در نیل به اهداف تعیین شده توفیق چندانی نداشته است. ناکارآمدی مقررات مدل در پوشش دادن به همه جنبه‌های فولکلور، ماهیت و دامنه حقوقی اعطائی به نموده‌های فولکلور در مقررات مدل و از همه مهمتر تحولات تکنولوژیک، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و تجاری بعد از سال ۱۹۸۲ را می‌توان از جمله دلایل عدم توفیق مقررات مدل نام برد. (۱۰)

ناکارآمدی مقررات مدل ۱۹۸۲ به شرح فوق و همچنین لزوم اتخاذ تدابیر بین‌المللی برای گسترش حمایت از نموده‌های فولکلور به فراسوی مرزها موجب شد که در سال ۱۹۸۴ سازمان جهانی مالکیت معنوی و یونسکو «گروه کارشناسان در مورد حمایت بین‌المللی از نموده‌های فولکلور از طریق مالکیت فکری» را تشکیل دهند. وظیفه این گروه بررسی لزوم حمایت بین‌المللی از نموده‌های فولکلور بود که در این راستا گروه پیش‌نویس معاهده‌ای را که برپایه مقررات مدل تهیه شده بود پیشنهاد که در آن بر مبنای اصل رفتار ملی حمایت بین‌المللی از نموده‌های فولکلور تضمین می‌گردید لازم به ذکر است که در آن موقعیت زمانی جامعه بین‌المللی آمادگی قبول چنین مدلی را نداشت. (۱۱)

در سال ۱۹۹۷ مجمع جهانی وایپو - یونسکو در مورد حمایت از فولکلور در تایلند تشکیل شد این مجمع برنامه عملی را به تصویب رساند که در آن با توجه به عدم وجود استاندارد بین‌المللی برای حمایت از فولکلور در سطح بین‌المللی و ناکارائی رژیم کپی‌رایت برای تضمین حمایت از نموده‌های فولکلور پیشنهاد شده است که یک کمیته کارشناسی تشکیل شود تا با توجه به مقررات ۱۹۸۲ نسبت به تکمیل پیش‌نویس یک موافقتنامه جدید بین‌المللی یا یک نظام حمایتی خاص برای فولکلور اقدام نماید و همچنین این مجمع پیشنهاد داده است که کمیته دائم فولکلور در سازمان جهانی مالکیت معنوی و یونسکو به منظور تسهیل روند قانونی کردن حمایت از فولکلور به وجود آید. (۱۲)

با توجه به پیشنهادات فوق در سال ۱۹۹۹ میلادی سازمان جهانی مالکیت معنوی و یونسکو چهاربرنامه و گروه مشورتی برای کشورهای آفریقائی، آسیا - پاسفیک، عربی و آمریکای لاتین و کارائیب پیش‌بینی کردند. هدف اولیه این برنامه‌های مشورتی ایجاد زمینه برای تبادل نظر کشورها و همچنین شفاف کردن مسائل و موضوعات مربوط به حمایت از نموده‌های فولکلور تبیین شده بود. (۱۳)

گروه‌های مشورتی پس از بازدید از مناطق فوق و بررسی امور مربوط، توصیه‌هایی را برای برنامه‌ریزی آینده در جهت حمایت از نموده‌های فولکلور، به کشورهای مناطق و همچنین سازمان جهانی مالکیت معنوی و یونسکو ارائه دادند. این توصیه‌ها به طور کلی حول محورهای زیر بود:

۱ - ضرورت شناسائی و مستندسازی نموده‌های فولکلور.

۲ - ضرورت مطالعه منطقه‌ای جهت کاربردی کردن و همچنین اداره حقوق فولکلور که به صورت اصیل باقی مانده یا در بیش از یک کشور منطقه مورد استفاده قرار گرفته است.

۳ - امکان توسعه شکل‌های حمایتی از نموده‌های فولکلور به صورت رژیم حمایتی خاص.

همچنین این گروه پیشنهاد داده است که سازمان جهانی مالکیت معنوی در خصوص حمایت از مسائل داروئی، کشاورزی و اکولوژیک که در مقررات مدل ۱۹۸۲ میلادی در رابطه با آنها حمایتی پیش‌بینی نشده است وظایفی را به عهده بگیرد. (۱۴) در راستای توصیه‌ها و پیشنهادهای فوق سازمان جهانی مالکیت معنوی تلاش‌های زیادی را در خصوص مورد آغاز کرده است که به طور خلاصه به اهم آنها به شرح زیر اشاره می‌شود:

- توسعه اطلاع‌رسانی در زمینه توسل به نظام موجود حقوق مالکیت معنوی برای حمایت از فولکلور.

- ارائه اطلاعات عملی و علمی و ایجاد کارگاه‌های آموزشی در زمینه سیستم مالکیت معنوی و حمایت از دانش سنتی.

- ایجاد دوره‌های آموزشی و ارائه استانداردهایی برای مستندسازی دانش سنتی.

- مطالعات عملی نمونه‌های موجود که در آنها حمایت از دانش سنتی براساس سیستم حقوق مالکیت معنوی صورت گرفته است.

- پروژه مقدماتی در خصوص دستیابی جمعی، مدیریت و اجرای حقوق مالکیت معنوی در زمینه دانش سنتی.

- تشکیل کمیته بین‌الدولی در خصوص مالکیت معنوی و منابع ژنتیک، دانش سنتی و فولکلور، اهداف این کمیته عبارتست

دسترسی به منابع ژنتیک. حمایت از دانش سنتی و فولکلور، این کمیته تاکنون ۵ اجلاس داشته و در این پنج اجلاس زمینه‌های

مختلف فولکلور از قبیل تعاریف، مستندسازی، نظام خاص حمایتی و همچنین تجربه کشورهای عضو در خصوص فولکلور مورد

بحث و بررسی قرار گرفته است. (۱۵)

بخش دوم - حمایت از نموده‌های فولکلور در ایران:

همانطور که گفتیم مقررات مدل ۱۹۸۲ در واقع برای ارائه یک الگو در زمینه حمایت از نموده‌های فولکلور بوجود آمد که در اجرای

آن، کشورهای متعددی از این مقررات به عنوان مبنایی برای رژیم حقوق ملی خود در زمینه حمایت از نموده‌های فولکلور استفاده

کردند بسیاری دیگری از کشورها مانند ایران مقرراتی در قالب قوانین کپی‌رایت برای تأمین چنین حمایتی وضع کردند اولین

قانون ایران در این زمینه قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ است. گرچه این قانون قبل از

تصویب مقررات مدل ۱۹۸۲، تصویب و به اجراء در آمده است ولی برخی از جنبه‌های این مقررات در این قانون مشاهده می‌شود. از جمله نکات برجسته این قانون عبارتست از:

۱ - در قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان تعریفی از مفهوم «فولکلور» ارائه نشده است و بطور کلی به اثر ابتکاری که برپایه فولکلور یا میراث فرهنگی پدید آمده باشد و به نحو خاص به اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالی و گلیم به عنوان آثار مورد حمایت اشاره دارد. (۱۶)

۲ - این قانون به پدیدآورندگان این آثار اجازه می‌دهد که از حقوق انحصاری خود بهره‌مند شوند یعنی استفاده از آنها را به دیگران واگذار نمایند. (۱۷)

۳ - مدت بهره‌برداری از حقوق مادی ۳۰ سال است مشروط بر اینکه اثر تحت حمایت برای نخستین بار در ایران عرضه شده باشد. (۱۸)

خلاصه اینکه در قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان، ضمانت اجرای مدنی و کیفری برای حمایت از نموده‌های فولکلور پیش‌بینی شده که بخش کیفری آن شامل مجازات زندان و پرداخت غرامت است. (۱۹)

در پیش‌نویس قانون جدید حمایت از مالکیت ادبی و هنری که در راستای تلاش‌های به عمل آمده برای به روز کردن قوانین مالکیت معنوی کشور و با همکاری سازمان جهانی مالکیت معنوی تهیه شده است به نحو جامع‌تری موضوع حمایت از نموده‌های فولکلور بیان شده است با توجه به بند (۸) ماده (۱) این پیش‌نویس: نمود فولکلور یعنی یک اثر گروه مدار مبتنی بر سنن متعلق به گروه‌ها یا افراد که انتظارات جامعه را به صورت نمائی مناسب از هویت فرهنگی و اجتماعی آن و استانداردها و ارزش‌های آن به صورت شفاهی، از طریق تقلید یا سایر وسایل منتقل می‌شوند را منعکس می‌کند که عبارتست از:

- قصه‌ها و داستانهای محلی و عامیانه، اشعار محلی، معماریهای محلی

- ترانه‌های محلی و موسیقی‌سازی محلی

- رقص‌های محلی و نمایشنامه‌های محلی

- تولیدات هنری محلی بویژه نقش و ترسیمات، تابلوهای نقاشی آثار حکاکی، کنده‌کاری مجسمه‌سازی، سفالگری،

موزائیک‌سازی، نجاری، فلزکاری و جواهرات، صنایع دستی لباسهای محلی و پارچه‌ها و منسوجات بومی.

با توجه به مجموع مراتب فوق روشن است که قانون ملی ایران برای حمایت از همه جنبه‌های مربوط به فولکلور کافی و وافی به مقصود نیست و نیاز به تجدیدنظر دارد. پیش‌نویس قانون کپی‌رایت هم اگرچه نسبت به قانون سال ۱۳۴۸ جامع‌تر و تعداد بیشتری از نمودهای فولکلور را مورد حمایت قرار می‌دهد ولی کماکان قادر به حمایت از همه جنبه‌های مربوط به فولکلور نیست. با توجه به مراتب فوق و همزمان با تشکیل کمیته بین‌الدولی در سازمان جهانی مالکیت معنوی سازمان ثبت با همکاری وزارتخانه‌ها و سازمانهای زیربیط و به منظور تمرکز اطلاعات و دسترسی آسان به منابع موجود در رابطه با فولکلور، دانش سنتی و منابع ژنتیک مبادرت به تشکیل کمیته ملی در سطح مقامات عالی‌رتبه وزارتخانه‌ها و سازمانها نموده است و گروه کاری این کمیته با برگزاری جلسات منظم پیرامون مقوله‌های فوق بحث و بررسی که این اقدام علاوه بر دارا بودن نتایج مثبت عملی در سطح کشور موجبات ارتقاء آگاهی عموم را نسبت به مقولاتی از قبیل فولکلور، دانش سنتی فراهم کرده است.

همچنین در راستای ارتقاء آگاهی عموم و ایجاد بستر و فضا برای قانونگذاری مناسب، سازمان ثبت اسناد با همکاری سازمان جهانی مالکیت معنوی و به میزبانی سازمان صنایع دستی، سمینار بین‌المنطقه‌ای «مالکیت فکری، دانش سنتی فولکلور و منابع ژنتیک» را در بهار امسال با شرکت نمایندگان بیش از ۳۰ کشور جهان و همچنین مقامات عالی‌رتبه سازمان جهانی مالکیت معنوی در اصفهان برگزار کرده است که باتوجه به بیانیه نهائی این سمینار که به عنوان سند سازمان جهانی مالکیت معنوی منتشر شده است (۲۰)، برای دستیابی به یک سیستم جامع و کارآمد به منظور حمایت ملی و بین‌المللی از دانش سنتی و فولکلور و منابع ژنتیک باید اقدامات زیر صورت گیرد: (۲۱)

۱ - مشاور فعال و جامع با کلیه اشخاص ذینفع، بخصوص دارندگان و متولیان دانش سنتی و نمودهای فرهنگ سنتی و منابع ژنتیک و جوامع محلی و بومی و کشورهای عضو سازمان جهانی مالکیت معنوی و سازمانهای جوامع مدنی و نمایندگان جوامع محلی و بومی.

۲ - تأکید بر نقش محوری سازمان ملل و محلی به منظور تسهیل دسترسی مالکان و متولیان دانش سنتی و نمودهای فرهنگ سنتی و همچنین مؤسسات مربوط به مستندسازی میراث فرهنگی، موزه‌ها و آرشیوها.

همچنین در این بیانیه تأکید شده است که اقدامات حمایتی از نمودهای فولکلور و دانش سنتی باید علیه موارد زیر باشد: (۲۲)

۱ - کپی کردن، نسخه‌برداری و تحریف و تغییر شکل و اقتباس نمودهای فرهنگ سنتی بصورت غیرمجاز.

۲ - بهره‌برداری تجاری از نمودهای فرهنگ سنتی بصورت غیرمجاز.

۳ - استفاده از نموده‌های فرهنگ سنتی بصورتی که از نظر فرهنگ بومی نامطبوع یا تحقیرآمیز باشد.

۴ - فعالیتها و رفتارهای تجاری گمراه‌کننده یا فریب‌دهنده به نحوی که وانمود کنند با جامعه‌های محلی یا بومی مرتبط هستند یا با اجازه آنها فعالیت و رفتارها صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری:

نظام موجود حقوق مالکیت معنوی با توجه به ویژگیهای آن قادر به حمایت از همه جنبه‌های مربوط به فولکلور نیست زیرا: (۲۳) اولاً: در این نظام، جدید بودن لازمه حمایت از محصول است در حالی که اکثر نموده‌های فولکلور با چنین ویژگی توصیف نمی‌شوند.

ثانیاً: در نظام حقوق مالکیت معنوی، انتساب مالکیت عموماً به پدیدآورنده نهائی محصول نو یا بدیع است نه جامعه محلی و به این دلیل در موارد تسهیم منافع ناشی از بهره‌برداری از اکثر نموده‌های فولکلور به جای فرد یک جامعه محلی مطرح و درگیر می‌شود.

ثالثاً: حمایت از محصول در این نظام اکثراً محدود به دوره‌های زمانی بوده یا نیاز به تجدید ثبت دارد.

با توجه به مراتب فوق و از آنجایی که اهمیت فرهنگی و اقتصادی فولکلور لزوم ایجاد سازوکار حقوقی خاص برای حمایت از آن در سطح ملی و بین‌المللی را توجیه می‌نماید لذا:

۱ - اقدامات و تلاشهای بین‌المللی سازمان جهانی مالکیت معنوی و یونسکو برای تنظیم سند بین‌المللی به صورت رژیم حقوقی خاص باید تقویت و استمرار داشته باشد.

۲ - اگرچه در بعد ملی، قوانین و مقرراتی در چارچوب حقوق مالکیت صنعتی و حقوق مالکیت ادبی و هنری برای حمایت از بعضی از جنبه‌های نموده‌های فولکلور وجود دارد لکن کماکان تنگناها و خلاءهای جدی در تأمین حقوق صاحبان فولکلور یعنی جوامع محلی در بهره‌برداری مادی از نموده‌های فولکلور توسط اشخاص ثالث وجود دارد که ضروری است با توجه به مدل ۱۹۸۲ سازمان جهانی مالکیت معنوی و یونسکو و تجربه کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه نظام خاصی برای حمایت ملی از نموده‌های فولکلور ایجاد گردد به نحوی که ضمن جلوگیری از استفاده نادرست از نموده‌های فولکلور، دسترسی آحاد جامعه را به این نموده‌ها تسهیل نماید.

۱۶- بندهای (۵) (۶) (۷) (۸) (۹) (۱۰) ماده (۲) قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸

۱۷- ماده (۳) قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸

۱۸- ماده (۱۲) قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸

۱۹- ماده (۲۳) قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸

۲۰. ۱۴/۵wipo/GRTKF/IC/

۲۱. Ibid, page ۳

۲۲. Ibid, page ۳

۲۳- طارم سری - مسعود "حمایت حقوقی از نقشه‌های فرش دستباف ایرانی به عنوان نمودی از فولکلور در مقابل تقلید، ارائه شده در همایش بین‌المنطقه‌ای سازمان جهانی مالکیت فکری در خصوص «مالکیت فکری و منابع ژنتیک، دانش سنتی و فولکلور، اصفهان ۲۶ تا ۲۸ خرداد ۱۳۸۲ صفحات ۲۰ و ۲۱»

برای جمع آوری منظم فولکلور همه مناطق کشور، دولت باید به وسیله بخشنامه دانشمندان، هنرمندان و کارمندان فرهنگ و ادارات دولتی را دعوت بکند که در این کاوش شرکت بکنند. همچنین باید توضیح بدهند که این تحقیقات منحصرأ جنبه علمی دارد و هیچ ربطی باسیاست، مذهب و غیره در بر نخواهد داشت.

شاگردان دبستانه و دبیرستانها می توانند اطلاعاتی از خانواده و از اطراف خود بدست بیاورند. باید حس کنجکاوی آنها را تحریک کرد، زیرا به وسیله تشویق و راهنمایی برخی از آنها می توانند کمکهای شایانی در این زمینه بکنند. اشخاص تحصیل کرده ادارات دولتی هر کدام در رشته خود و نسبت به تماسی که با مردم دارند ممکن است اطلاعات گرانبهای به دست بیاورند و بالاخره هرکس در اطراف خود و خانواده اش با کسانی معاشر است که می تواند محفوظات آنها را یادداشت بکند. زیرا در این موقع که تغییرات و تحولات عمیق در در جامعه بشر انجام می گیرد، هر فرد تحصیل کرده باید پی به اهمیت مطالعات اجتماعی برده و نه تنها تکلیف بلکه وظیفه خود بداند که در این زمینه آنچه از دستش بر میاید فروگذار نکند. موضوع فولکلور مخصوصا نتیجه پرورش و فعالیت دسته جمعی یک ملت است که ناچار مربوط به روانشناسی و جامعه شناسی می گردد. روزنامه و مجلات محلی نیز به نوبه خود می توانند مردم را تشویق کنند و قسمتی از روزنامه و یا مجله خود را به چاپ فولکلور محلی اختصاص بدهند و بخشنامه ها و پرسش نامه ها را بااطلاع عموم برسانند. باستانشناس، ستاره شناس، گیاه شناس، متخصصین اقتصاد و

دادگستری و کشاورزی، پزشک، زبان شناس، جغرافی دان و مهندس هر کدام بنوبه خود می توانند تحقیقات علمی بسیار جالب توجه در فولکلور بکنند. مثلا ضبط لغات محلی و زبانهای بومی همچنین جمع آوری افسانه ها و قصه ها و ترانه ها نه تنها کمک گرانمایی به علوم و فرهنگ فارسی خواهد بود بلکه ممکن است زمینه های تازه و بکری در شعر و هنر و ادبیات فارسی ایجاد بکند. برای موضوعهای مفصل ممکن است تقسیم کار قایل بشوند و دیری نخواهد کشید که در هر محلی اشخاص با ذوق و کارشناس به وجود بیایند. اسناد و مدارکی که جمع آوری می شود، تمام آنها باید به دقت نگهداری و با ذکر نام گرد آورنده چاپ و منتشر گردد. زمانیکه همه این اسناد چاپ و در دسترس متخصصین گذارده شد می توان فولکلور سر تاسر کشور را به طور دقیق مطالعه و مقایسه و طبقه بندی کرد

فولکلور یا فرهنگ مردم در گذشته دور

نخستین بار «آمبرو از مورتن» ambroise morton در ۱۸۸۵ میلادی آثار باستان و ادبیات توده را folk-iore نامید یعنی دانش عوام. در آلمان و هلند و کشورهای اسکاندیناوی لغت volkskunde معادل آن را پذیرفتند، اما در کشورهای لاتینی زبان ابتدا مقاومت بیشتری نشان دادند و پس از کشمکشها و وضع لغات دیگر، بالاخره به این نتیجه رسیدند که فولکلور جامع ترین لغتی است که شامل تمام دانش عوام میشود و مشتقات این لغت را نیز وارد زبان خود کرده اند.

بموجب تعریف سن تیو (saint yves) فولکلور به مطالعه زندگی توده عوام در کشورهای متمدن می پردازد. زیرا در مقابل ادبیات توده، فرهنگ رسمی و استادانه ای وجود دارد به این معنی که مواد فولکلور در نزد مللی یافت می شود که دارای دوبرورش باشند: یکی مربوط به طبقه تحصیل کرده و دیگری مربوط به طبقه عوام. مثلا در هند و چین فولکلور وجود دارد اما نزد قبایل وحشی استرالیا که نوشته و کتاب ندارند فولکلور یافت نمی شود. زیرا که همه امور زندگی این قبایل مربوط به علم نژاد شناسی است. نژاد شناسی نه تنها وضع سیاسی و مذهبی و عادات و اخلاق آنها را ضبط می کند، بلکه مثلها، ترانه ها، قصه ها و افسانه های آنها را نیز جمع آوری می نماید. فولکلور نزد قبایل بدوی وجود ندارد چنانکه در ملتی که همه افراد آن دارای پرورش عالی معنوی بوده و از اعتقاد به اوها و خرافات بر کنار باشند نیز یافت نخواهد شد. ولی چنین ملتی تا کنون وجود نداشته است. بطور اجمال فولکلور آشنایی به پرورش معنوی اکثریت است در مقابل پرورش مردمان تحصیل کرده در میان یک ملت متمدن. امروزه فولکلور توسعه شگفت آوری بثمر رسانیده، ابتدا محققین فولکلور فقط ادبیات توده مانند: قصه ها، افسانه ها، آوازه ها، ترانه ها، مثلها، معماها، متلکها و غیره را جستجو میکردند. کم کم تمام سنتهایی که افواها آموخته می شود و آنچه

مردمان در زندگی خارج از دبستان فرا می گیرند جزو آن گردید. چندی بعد جستجو کنندگان اعتقادات و اوهام، پیشگویی راجع به وقت نجوم، تاریخ طبیعی، طب و آنچه دانش توده نامیده میشد مانند گاهنامه، سنگ شناسی، گیاه شناسی، جانور شناسی و دارو هایی که عوام به کار می برند را به این علم افزودند. سپس اعتقادات و رسومی که وابسته به هر یک از مراحل گوناگون زندگی مانند: تولد، بچگی، جوانی، زناشویی، پیری، مراسم سوگواری، جشنهای ملی و مذهبی و عاداتی که مربوط به زندگی عمومی می شود، از جمله تمام پیشه ها و فنون توده جزء این علم به شمار آمد، زیرا هر پیشه ای ترانه ها و اوهام و اعتقادات مربوط به خود را دارد مثلا فولکلور شکار یا ماهیگیری جداست و هر شغلی ممکن است نزد محقق این فن بایگانی علیحده داشته باشد. همچنین کتابهایی که از دست توده مردم بیرون آمده مانند: بهرام و گندام، خاله سوسکه، عاق والدین و غیره باید جمع آوری و مطابق تاریخ طبقه بندی شود. هنر و ادبیات توده به منزله مصالح اولیه بهترین شاهکارهای بشر بشمار میاید، بخصوص ادبیات و هنرهای زیبا و فلسفه و ادیان مستقیمی از این سرچشمه سیراب شده و هنوز هم می شوند. این سرچشمه افکار توده که نسلهای پیاپی همه اندیشه های گرانبها و عواطف و نتایج فکر و ذوق و آزمایش خود را در آن ریخته اند گنجینه زوال ناپذیری است که شالده آثار معنوی و کاخ باشکوه زیباییهای بشریت به شمار می آید. ترانه های عامیانه، آوازاها و افسانه ها نماینده روح هنری ملت میباشد، و فقط از مردمان گمنام و بیسواد به دست می آید. اینها صدای درونی هر ملتی است و در ضمن سرچشمه الهامات بشر و مادر ادبیات و هنرهای زیبا محسوب می شود. به همین مناسبت امروزه در کشورهای متمدن اهمیت خاصی برای فولکلور قائل می باشند. شاید ایرانی تحصیل کرده بزندگی اجتماعی اروپائیان بیش از وطن خود آشنا باشد، در اینحال چگونه میتواند اظهار وطن پرستی بکند؟ و حال آنکه از رموز زبان، ترانه ها، قصه ها، اعتقادات، آندوه و شادی و بطور خلاصه از زندگی مادی و معنوی هم میهنان خود آگاه نیست و نمی تواند با آنها همدردی داشته باشد و یا درد های آنان را چاره کند. کم کم در همه جا تاریخ تمدن جانشین تاریخ رسمی سیاسی و جنگی شده است و در هر دوره شمه ای از وضع علوم و هنر های زیبا و ادبیات را مینگارند. اکنون موقع آن رسیده است که تاریخ شامل عادات و رسوم زندگی توده بانضمام ترانه ها و اوهام و افسانه های هر دوره ای باشد. باید تاثیر ملت را تا هر زمان تعیین کرد تا مقاومت توده در مقابل کش مکش ها و شرکت او در بهبود وضع عمومی آشکار گردد بطور خلاصه باید گروه نیاکان گمنام هر ملتی با آندوه و شادی و بدبختیها و سستیها و کوششها و فداکاری هایش جلو او مجسم بشود. قسمت عمده زندگی روزانه ما از عاداتی که به ارث برده ایم تشکیل یافته و سرچشمه آن ها ملی نیست بلکه بشری می باشد، زیرا مظاهرات گوناگون زندگی توده حاکی از عمومیت و قدمت است. این عادات هر جا که

بشر است خود نمایی میکند و میتواند حدس زد که تمام آنها از ابتدای بشریت آغاز میشود و یا لاقلاً مربوط به دوره های بسیار باستانی است. افزارهای یکسان که در مناطق گوناگون پیدا شده نه تنها دلیل ارتباط اقوام است بلکه مؤید این نظر می شود که همه آنها از افزارهای ما قبل تاریخ منشعب شده است. (همان کهن الگوهای مد نظر کارل یونگ در روانشناسی و یا بهتر بگوییم فلسفه تحلیلی اسطوره ها). آداب و رسوم نیز از همین قرار است. خوشامد گفتن به کسی که عطسه میکند در همه سرزمینها و بین تمام قبائل مرسوم می باشد. آتش کردن بوسیله سایش چوب در سر تاسر زمین معمول بوده. ادبیات توده چه از حیث موضوع قصه ها و ترانه ها و چه از جنبه های دیگر عمومیت محصول زندگی توده را میرساند. اغلب در کشور های دور از هم که بهیچ وجه وسیله ارتباط بین افراد آن وجود نداشته اشعار عامیانه ای هست که از حیث مضمون و آهنگ همانند میباشد. اسنادی در دست هست که آدم عصر حجر میرقصیده، آیا می توانیم مدعی بشویم که شبها در کنار آتش قصه نمی گفته یا آواز نمی خوانده است؟ از مقایسه تمام قصه های ملل گوناگون که در سر تا سر زاد بوم نژاد هند و اروپایی و همچنین میان نژادهای سرخ و سیاه رواج دارد چنین بر میآید که بسیاری از آنها با جزئی تغییر در همه جا یافت می شود/ چوپان اسکاتلند، ماهیگیر جزیره سیسیل، دایه ایرانی، موجیک روسی، برزگر هندی و شتر چران بربر که همه آنها بیسواد و نادان هستند و هرگز راجع یکدیگر چیزی شنیده اند یک وجه مشترک دارند و آن عبارت از قصه های عجیب و یا خنده آوری است که گاهی ساختمان ظاهری آنها فرق می کند ولی موضوع آنها همه جا یکی است. مثلاً قصه « ماه پیشانی » ایرانی با جزئی تغییر نزد فرانسوی ها، آلمانی ها و ایرلندی ها وجود دارد و از حیث موضوع با قصه نروژی نزدیکتر می باشد. این اختلاف کوچک در مضمون یک قصه از نواحی مختلف یک کشور جمع آوری شود نیز مشاهده می گردد. به همین مناسبت چنین تصور کرده اند که ترکیب اولیه ترانه ها و قصه ها و اعتقادات بشر به زمانی میرسد که خانواده های گوناگون این ملل با هم میزیسته و هنوز از یکدیگر جدا نشده بوده اند. آنچه در باره قصه ها گفته شده در باره اعتقادات و رسوم دیگر نیز صدق میکند. شالوده مشترک مذاهب اولیه و پرسشهای توده بطور خلاصه از سه سرچشمه ناشی میشود:

پرستش مردگان، پرستش طبیعت و موجودات آن، رسوم و جشنهای موسمی که مربوط به پیوند بین انسان و طبیعت می شود، رابطه میان ستارگان و فصلهایی که از تأمل احوال ملل گوناگون در طبیعت به دست آمده است.

از این رو عادات و آداب و اعتقادات ما نه تنها از جانب پدر و یا کسانیکه در سرزمین هم نژاد نیاکان میزیسته اند به ما رسیده بلکه از تمام نژادهای دیگر این عادات و اعتقادها را گرفته ایم. فولکلور دشمنی با بیگانگان را زائل می کند و همبستگی نژاد

بشر را نشان می دهد از این قرار اساس زندگی توده عمومیت دارد ولی مطلب مهم دیگر اینست که این اساس مشترک به زمانهای ما قبل تاریخ میرسد. چنانکه ملاحظه می شود فولکلور علم نوزادی است ، ولی جمع آوری مصالح آن بسیار لغزنده و دشوار می باشد زیرا این گنجینه فقط از محفوظات اشخاص بی سواد و عامی به دست میاید و وابسته به پشتکار و همتی است که اهالی تحصیل کرده یک ملت از خود نشان بدهند . زیرا هر گاه در جمع آوری آن مسامحه و غفلت بشود بیم آن می رود که قسمت عمده فرهنگ توده ای فراموش گردد. این جنبش در ایران پس از چاپ کتاب « نیرنگستان » ۱۳۱۲ آغاز شد، و معلوم نیست به چه علت کتاب نامبرده توقیف گردید ولی زمامداران وقت متوجه شدند که از این راه می توانند وسیله نمایشی فراهم بیاورند و در همان دوران اسم بکر « مردم شناسی » اختراع شد ، موزه ای با این نام گشایش یافت که بر اشخاص بی سابقه پیدا نیست مقصود موزه ETHNOGRAPHIE یا SOCIOLOGIE یا anthropologie ویا اداره جاسوسی است. متأسفانه این تقلید هم مانند همه تقلید های بی اساس که انجام گرفت به صورت کاریکاتور وازده ای از آب در آمد. یعنی مقداری البسه و اشیاء فراهم شد و بدون رعایت اصول museographi مرتب گردید . بطوریکه تماشا کننده بی آنکه رابطه این اشیاء و افزار و اشخاصیکه در زمان و مکان معینی آنرا به کار می برده اند در یابد و یا دنباله تحولات مادی و معنوی آنرا درک کند، مثنی اشیاء و افزار و جامه هایی را درهم و برهم در آنجا می بینید. از این گذشته موزه نامبرده فاقد بسیاری از آلات و افزار کار و اسباب بازی و پیرایه و طلسم و غیره می باشد که جمع آوری آنها کار بسیار آسان و با مخارج کم میسر بوده است . بر عکس به معرض نمایش گذاشتن لباس سلاطین قاجاریه و یا لباسهایی که بموجب دستور زری آن جداگانه در ولایات خریداری و به تقلید لباس مردمان بومی دوخته شده بیشتر بدرد موزه بالماسکه میخورد. مقداری اسناد گرد آمده که به نظر میاید بیشتر از لحاظ رفع تکلیف جمع آوری شده باشد و کاملاً فاقد ارزش علمی است . به این معنی که بخشنامه هایی به فرهنگستانها فرستاده شد و از رؤسای فرهنگ محل هر کدام جدیت بیشتری به خرج داده اند بعنوان تکلیف در دبستانها از شاگردان تقاضای قصه و افسانه کرده اند و به این ترتیب اسناد جمع آوری شده است . ولی آنهایی که به علت سهل انگاری از این اقدام غفلت ورزیده اند حتی برای نمونه کوچکترین اثری از فولکلور ناحیه خود نفرستادند . به طوری که از بسیاری جاها و حتی از استانهای بزرگ هیچ سندی در دست نیست . گرچه این اسناد ارزش علمی ندارد یعنی اغلب بدون تاریخ است و نویسنده ویا گوینده اصلی آنها معلوم نیست و لغات محلی به طور دقیق ضبط نشده و نقص های دیگر. معهداً بعضی از آنها قابل استفاده و برای مطالعات بعدی کمک گرانبهایی بوده است . بدبختانه در موزه بسیاری از این اسناد گوناگون را که روی کاغذهای بی قواره

بوده یکنفر که البته آشنایی به تمام زبانهای بومی نداشته پانویس کرده و اصل سند از بین رفته ، بعلاوه بسیاری از این اسناد دست اشخاص متفرقه افتاده و مفقود گردیده است.(از جمله مجموعه گرانبهایی که یکی از معلمین یزد فراهم کرده بود) آنچه از این اسناد استفاده شده بعضی دو بیتی ها و چند قصه است که به صورت ادبی در آمده و حتی در آنها دخل و تصرف شده است. البته ایرادهای بیشتری باین بنگاه وارد می باشد که از موضوع ما خارج است. اما مطلبی که مهم است اینکه عجاله برای جمع آوری آثار و فرهنگ توده یک مرکز وجود دارد که هرگاه اصلاحات اساسی در آن شود ممکن است بعدها صورت جدی و علمی به خود بگیرد . تا کنون تحقیقاتی که درباره فولکلور ایران انجام گرفته بسیار محدود و ناقص می باشد ، چون به هیچ وجه متکی به روش دقیق علمی نبوده است . فقط می توان از آن بعنوان طرح مقدماتی کار جدی و علمی استفاده کرد. در این زمینه کتابها و رساله های بیشماری که در کشور های متمدن دیگر وجود دارد راهنمایی گرانبهایی خواهد بود.

آنچه به زبان فارسی به چاپ رسیده عبارتست از:

ژو کورسکی، نمونه آثار ملی ایران ، پترزبورگ، ۱۹۰۲

ا. کریستی، مجموعه قصه های فارسی، کوبنهاون ۱۹۱۸

ه. ماسه قصه های فارسی، پاریس ۱۹۲۵

گالونو، زورخانه، لنینگراد ۱۹۲۷

گالونو، پیلوان کچل، لنینگراد ۱۹۲۸

گالونو، خیمه شب بازی، لنینگراد، ۱۹۲۹

ص. هدایت، اوسانه ۱۳۱۰-نیرنگستان ۱۳۱۲

کوهی کرمانی، هفتصد ترانه، چهارده افسانه ۱۳۱۴

مجله موسیقی سال اول ۱۳۱۸ شماره های ۶-۷-۸

اسناد چاپ نشده که در این موضوع وجود دارد عبارتست از پرونده های موزه مردم شناسی و پرونده های قصه متعلق به آقای صبحی مهتدی .

بزبان خارجه جامعترین کتابی که تاکنون راجع به فولکلور ایران نوشته شده تألیف آقای هانری ماسه است که تقریباً تمام نیرنگستان و اوسانه و چهارده افسانه کوهی با اسناد و شواهد دیگری که به دست آورده و یا از روی سفر نامه های اروپائیان که به ایران آمده اند یادداشت کرده در دو جلد به چاپ رسانیده است.

خانم دونالدسون در the wildrue چاپ ۱۹۳۸ فولکلور ایران را بیشتر از لحاظ اسلامی تحت مطالعه قرار داده اند و با وجود اینکه از نیرنگستان اقتباس کرده اند گویا به عمد اسم آن را از قلم انداخته اند فقط در یکجا (ص ۱۷۳) این کتاب را «نارنجستان» مینامند. مطالعات دیگر راجع به فولکلور ایران از این قرار است:

بریکتو، قصه های فارسی، لیژ ۱۹۱۰

لوریمر، قصه های فارسی، لندن ۱۹۱۹

راما سکویچ، دو بیتی های ملی فارسی، پترو گراد، ۱۹۱۶-۲۹

زاروبین، فولکلور و افسانه های بلوچ، لنینگراد، ۱۹۳۰-۳۲

کریستنسن، قصه های فارسی، ینا ۱۹۳۹

بغیر از تحقیقات علمی که برخی از ایرانشناسان درباره بعضی از زبان های بومی ایران کرده اند مقالات دیگری درباره فولکلور ایران وجود دارد که از ذکر آنها چشم پوشیدیم. ونیر تحقیقات آقای لسکو راجع به فولکلور کردها و بلدریف در باب فولکلور تاجیک ها را می توان در ردیف فولکلور ایران بشمار آورد. پس چنانکه ملاحظه می شود نسبت به تحقیقاتی که حتی در کوچکترین نواحی بلغارستان یا قفقاز یا هندوستان در باره فولکلور انجام گرفته تحقیقات راجع به فولکلور ایران بسیار ناچیز است. مثلاً در سر تا سر رومانی یک دهکده هم پیدا نمی شود که تمام ترانه های عامیانه آنجا یادداشت نشده و آهنگ آنها را به نت موسیقی نوشته باشد. یا در کشور ایرلند تا کنون کاغذهایی که روی آنها اینگونه آثار را جمع کرده و نوشته اند به شصت خروار رسیده است. بدیهی است که آثار فرهنگ توده ایرانی اگر جمع شود از این مقدار بیشتر خواهد بود.

گرچه سرزمین ایران در این زمینه از خیلی جاهای دیگر بیشتر مایه دارد ولی این گنجینه هنوز دست نخورده مانده است، و هر گاه اقدام فوری و جدی در این راه انجام نگیرد ممکن است قسمت عمده فولکلور آن از بین برود. چنانچه در اثر فقر و گرسنگی کوچ دادن و تحت قاپو کردن ایلات و سهولت وسایل حمل و نقل و تغییرات و تحولاتی که به سرعت در جامعه انجام میگیرد

بسیاری از عادات و رسوم دهات و ایلات دور دست فراموش شده است و اگر امروز با تمام وسائل جمع آوری نشود دیری نمی کشد که بسیاری از این گنجینه های ملی را از دست خواهیم داد.

فولکلور «روش گردآوری»

در امر گردآوری و تألیف و تدوین اسناد و مدارک فولکلوری از دو طریق می توان پیش رفت. یکی از راه گردآوری محدود و مشخص واحد به واحد که هر دیه و شهرک و شهر و استانی به انفراد و استقلال موضوع مطالعه و هدف گردآوری قرار گیرد و مجال و وقت در اختیار باشد. دیگری طریقه جمع آوری سراسری یا کاوش عمومی و یکباره و یکجا است که در آن واحد و در زمانی معین در سرتاسر کشوری شروع به کار شود. از این دو راه هر طریقی که انتخاب شود اگر مباشر امر، مقیم و زاده محل نباشد و اهل محل آنچنان که باید و شاید با او همراهی نکنند و از مساعدت صادقانه و صداقت صمیمانه مردم برخوردار نشود بی گمان حاصل کارش خالی از عیب و منقصت نتواند بود و این نکته مهم و دقیق یکی از نتایج تجربه چندین ساله مسود این اوراق و افرادی است که همراه وی دست اندرکار گردآوری این مدارک و تفکیک و مطالعه آنها هستند. روش نخستین نیز به فرض اینکه فرصت و مجال و وسایل کافی و محیط مساعد در اختیار باشد و جمیع شرایط لازم فراهم آید هنگامی مقبول و سودمند خواهد بود که توجه گردآورندگان منحصرأً به منطقه مشخص و معینی محدود شود و مباشران امر چنان کار کنند که در مدت اقوام آنان خطر فوت نکته یا نکاتی یا فراموش شدن و از قلم افتادن مطلبی یا از میان رفتن اصل موضوع متصور نباشد. به این جهات و به جهات عدیده دیگر بود که روش دوم یعنی اقدام به کاوش عمومی و جمع آوری سراسری - با توجه به پیوستگی ها و وابستگی هایی که غالباً بین سنن و آداب، قصص و امثال و رسوم و معتقدات نواحی مختلف وجود دارد و چه بسا روشنی جنبه های مختلف رسم و عادت در یک ناحیه موجب رفع ابهام و گنگی همان رسم و عادت در ناحیه دیگر شود - به نظر ما مرجح و مفیدتر آمد. البته این روش با همه مزایایی که از لحاظ کلیت و جامعیت نسبت به روش اول دارد واجد این اشکال نیز هست که یک جست و جوگر با وسایل محدود و معدود خود، در آن واحد ناگزیر است از مسافتی بعید با مردم سراسر کشور سر و کار داشته باشد و با تفاوت ها و ویژگی های خلقی و اقلیمی و سلیقه ها و روحیات مختلف آنان از حیث دقت یا مسامحه کاری و وسواس یا سهل انگاری روبه رو شود و خشمگین نگردد و صبر و تحمل بسیار داشته باشد و مهمتر از همه آنکه مردم این سرزمین را به راستی دوست بدارد، همدلی و همنشینی با آنان و شنیدن افکار و معتقداتشان را «عیب و عار» نشمارد؛ خود را تافته جدا بافته نداند؛ و به حقیقت و واقع برای خویش تمایز و تشخیصی قائل نشود تا بتواند نه تنها در میان آنان بلکه در دل ایشان راه یابد

و آنگاه که راه یافت چنان با صداقت و محبت رفتار کند که اعتماد و اعتقاد این خوبان پاکدل جلب شود و بعد مسافت از میان برود و همگان یکدل و یکجهت به یاری او قیام کنند.

جاذبه شهرنشینی و احساس حقارت شهرک نشینان و روستاییان

در آن سالها بر اثر دگرگونی اوضاع و احوال و تمرکز امور و تراکم جمعیت در شهرها و بیرونقی زیستن در واحدهای کوچکتر، جاذبه اقامت در پایتخت و مراکز استان به هر سختی و مذلت و اهمیت و اعتبار اقامت در شهرهای بزرگ به هر قیمت، مردم سرزمین ما را چنان مجذوب - و در مواردی مرعوب - کرده بود که فرد ولایتی یا ده نشین، از داشتن لهجه و عنوان شهرستانی یا روستایی خود آشکارا احساس خفت و حقارت می کرد و در نتیجه غفلت از تشخیص و شخصیت شهرستانی و روستایی خویش به خاطر نمی آورد که هر نقطه از این سرزمین با نقاط دیگر از حیث حرمت و حیثیت یکسان است و سراسر خاک این مرز و بوم گرامی است و هرکس از هر جا باشد فقط ارزشهای معنوی و انسانی و اجتماعی اوست که مایه افتخار و منزلتش تواند بود.

البته در چنان وضعی و با استیلای چنان روحیه ای که اکثر مردم را مسحور شعبدههای رنگارنگ و حقیر و مضر تجدد منحط غربی و مفتون جلوههای پر زرق و برق چراغ نئونی و بادکنکی پایتخت و مراکز استان ساخته بود، خطر نابودی سریع یا لااقل فراموش شدن قسمت اعظم فولکلور ایران به وجه انکارناپذیری، تهدیدکننده بود. بهترین دلیل این مدعا از بین رفتن و فراموش شدن بسیاری از مواد و مطالب مربوط به فرهنگ مردم در همین پنجاه سال اخیر است که جذبه و شور غرب دوستی به اوج رسیده و در طی آن مدت عطش فرنگی مآبی شدت گرفته بود.

مبارزه با حس عدم اعتماد در طریق جلب همکاریها

خلاصه آنکه فرصت کوتاه و شاید آخرین فرصت بود و گروهی از درس خواندگان - که چشم توده مردم خواه ناخواه به دهان آنها دوخته - بی اعتنا و حتی مخالف، گروهی کثیر هم بی تکلیف و دنباله رو. پس ناچار می بایست تدبیری اندیشیده شود که آن توده کثیر از مقام معنوی و ارزش این میراث غنی آگاه شوند و مباحث آن را فراموش نکنند و از داشتن آنها احساس شرمندگی نکنند تا مگر فرصتی پیدا شود و این گوهرهای پخش و پراکنده، مجموع و مدون گردد یعنی سیر سریع زمان مجال قیام به این واجب را از خدمتگزاران و علاقه مندان نگیرد. با این اوصاف، از جانب دیگر رفتن دیه به دیه و شهر به شهر به تصور واهی گرد آوردن فرهنگ توده نه مقدور بود و نه مفید. زیرا مردم پاکدل و زحمتکش و رنج دیده روستاها و شهرکها از غریبهها خاطره خوشی نداشتند چون که در طی قرنهای متوالی هرکس از پایتخت کشور یا از مرکز استان به سراغشان رفته بود جز ظلم و تعدی برای

آنان پیام و ارمغانی نبرده بود تا از غریبه جماعت یادبود خوبی داشته باشند و بتوانند با تازه‌واردی همدل و همزبان شوند و همکاری کنند و حتی در برابر او لب به سخن بگشایند. از این‌رو است که حتی امروز هم که مرد و زن روستایی کمابیش به شخصیت و اهمیت خود واقف شده و در راه رسیدن به حقوق خویش است بر اثر عادت کهن که طبیعت ثانوی فرد ایرانی شده، در حضور هر تازه‌وارد و از پایتخت رسیده‌ای، اول مهر سکوت بر لب دارد و تا هنگامی که بی‌آزاری و خیرخواهی تازه‌وارد بر او مسلم نشود با وی مأنوس نمی‌شود و به سخن در نمی‌آید و این نکته نیز در این سال‌ها به دفعات و کرات به تجربه رسیده است. مشکل دیگر آنکه فرد «غریبه» چون با محل‌آشنایی ندارد هرچند خونگرم و چرب‌زبان و هوشمند و صمیمی هم باشد با توقف‌های کوتاه و موقت در یک نقطه نمی‌تواند بر دقایق و رموز اندیشه و معتقدات و لهجه و رسوم مردم آنجا وقوف یابد و در اندک زمانی - فی‌المثل در عرض چند ماه - چنانکه باید و شاید به روحیات و نهاد و بنیاد فکری مردم آن ناحیه که دست‌پرورده قرون و اعصار است آشنا شود. راز توفیق شادروان صادق هدایت در تهران و جوینده ناکام و محبوب صمد بهرنگی در آذربایجان در همین بود که اولی از اهالی تهران و دومی زاده آذربایجان بود و هر دو توانسته بودند با استفاده از اوضاع و احوال مساعد و خاصی در دل افرادی از طبقه‌ای که با آن سر و کار داشتند راه بیابند و آنان را از خود نرانند بلکه هوشمندانه آنان را به سخن آرند. اما نکته در اینجا است که امثال هدایت و اقران بهرنگی فراوان نیستند و این امر خطیر از هر جوینده و پوینده‌ای بر نمی‌آید و چنان که اشارت شد اهالی محل به حکم تجربه و عادت چندین صد ساله از گفتن چند و چون و حقیقت و واقع رسوم و عادات و قصص و حکایت خود به کاوشگر «غریبه» امتناع می‌ورزند و در صورت اصرار و پرسش مکرر او را گمراه می‌سازند. از این‌رو اینگونه کاوشگران اگر چیزی گرد آورند حاصل کارشان حتی در صورت استفاده از جدیدترین وسایل فنی، مطمئن و قابل اعتماد نتواند بود. تازه اگر ده نفر و صد نفر راه بیفتند و به فرض محال شش ماه و یکسال و حتی دو سال در نقطه‌ای توقف کنند و مقدرت علمی و فنی داشته باشند و مقدرات مادی و وسایل و تجهیزات کسانی نیز در اختیار گیرند و بتوانند چیزی که به کار آید فراهم آورند سال‌ها طول می‌کشد تا مجموعه کاملی از این مطالب آماده شود و در طی این مدت طولانی با توجه به وسعت این سرزمین و گستردگی شعاع مطالعه، چه بسا که آنچه به‌طور زنده در لوح خاطر پیران و کهنسالان این مناطق باقی مانده، فراموش شود و خود نیز به دنبال محفوظاتشان بروند و در نتیجه، این گنجینه غنی و سرشار دستخوش نابودی و زوال شود